

زهرا علی هاشمی / «شوهرم کارگر بود. خرج زندگی را در می‌آورد؛ ولی مدت‌هاست که به سرطان پوست و دیابت مبتلا شده است. او دیگر توانایی کار کردن ندارد و من؛ زنی که ۵۰ ساله است پچه ۲ ساله‌ام را به کولم می‌بندم و آشغال‌های جنگل را جمع می‌کنم.» و نامش زهرا است. او همراه یک فعال محیط زیست، برای جمع‌آوری زباله از جنگل‌های گلستان تلاش می‌کند. زهرا بارانی همچنین مسئول هماهنگی کارگراها برای حاضر شدن در محل کار و جمع‌آوری زباله‌های است که در طبیعت رها شده‌اند.

این زن، که ۳ دختر و ۲ پسر دارد، به خبرنگار «ایران» می‌گوید: «من و یقیه کارگرا، صبح زود ساعت چهار، از خانه بیرون می‌آییم تا ساعت ۶ به محل کار برسیم. تا ساعت یک بعد از ظهر هم مشغول به کار هستیم و بعد به خانه می‌رویم. ما جنگل را از وجود زباله‌ها تمیز می‌کنیم. درآمد این کار آنچنان که باید و شاید خوب نیست، چراکه بخشی از آن را برای ایاب و ذهاب کنار می‌گذاریم؛ ولی می‌دانید چیست؟ ما عاشق طبیعت هستیم و نمی‌خواهیم به آن شکل کثیف باقی بماند برای همین کارگری می‌کنیم و با دستمزی نه چندان زیاد، زباله‌ها را جمع‌آوری می‌کنیم.»

زهرا می‌افزاید: «همسرم بیمار است و توانایی کار کردن ندارد. دیابت و سرطان پوست دارد. ماهانه یک میلیون تومان خرج بیماری‌اش می‌شود. یک دخترم در

این زن پسر ۲ ساله‌اش را به کول می‌بندد و طبیعت را تمیز می‌کند | داستان زیبای فرشتگان جنگل



تهران مستأجر است و درس می‌خواند. برای خرج و مخارج او نیز سعی می‌کنم پول بفرستم. یک پسر کوچک دو ساله به نام رادین دارم که او را به کرم می‌بندم و برای کارگری می‌روم. همسرم توانایی نگهداری از رادین را ندارد و ناچارم او را با خودم به سر کار ببرم.»

زهرا در ادامه می‌گوید: «درست است درآمدم از وجود زباله‌هاست و هرچه بیشتر باشم کار من هم بیشتر طول می‌کشد؛ ولی این بیکاری برای من و دوستانم زباله‌های خودشان را در طبیعت رها نکنند. اگر زباله نباشد ما بیکار می‌شویم؛ ولی این بیکاری برای من و دوستانم ارزشمند است و خدا روزی ما را از جای دیگری خواهد داد. بچه‌های من که به جنگل می‌روند، نه تنها زباله‌های

در اتاقی که کارفرما به ما می‌دهد می‌مانیم و زندگی می‌کنیم. همسرم هم در این مدت در خانه می‌ماند و یکی از دخترهایم به او سر می‌زند تا زمانی که من برگردم.»

حمله آدم‌ربایان به مرد تهرانی مقابل یک هتل

مدتی قبل مرد جوانی در مناطق شمال شهر تهران با خودروی شاسی بلند از خانه خود خارج شد و هنگامی که مقابل یک هتل ناگهان یک موتورسیکلت با ۳ سرنشین به او حمله کرده و اقدام به ربودن وی کردند اما ازدحام جمعیت، آدم‌ربایان را در رسیدن به هدفشان ناکام گذاشت. با این حال رسیدگی به موضوع در دستور کار کارآگاهان اداره بازهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت و آدم‌ربایان شناسایی و دستگیر شدند. متهمان در اقرارنامه اولیه گفتند که به قصد سرقت پول و همچنین اخاذی از خانواده مرد جوان و دریافت پول اقدام به ربودن مرد جوان کرده بودند. پرونده برای سیر مراحل قانونی به دادسرای ناحیه ۲۷ تهران با همان دادرسی امور جنایی معرفی شد و تحقیقات در رابطه با دستگیری دیگر متهمان پرونده ادامه دارد.

درگیری مسلحانه در یک روستا بعد از اجرای حکم قصاص

روز چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت امسال درگیری مسلحانه‌ای در روستای جعفرآباد شهرستان دلفان منجر به تیراندازی از سوی افرادی با هویت معلوم شد و رسیدگی به موضوع در دستور کار انتظامی و قضایی قرار گرفت. در بررسی‌های ابتدایی مشخص شد این افراد بعد از اجرای حکم قصاص نفس اقدام به درگیری و تیراندازی کرده‌اند. با اشراف اطلاعاتی و هماهنگی دستگاه قضایی ۳ عامل درگیری شناسایی و در عملیاتی در کوه‌های صعب‌العبور منطقه دستگیر شدند و رسیدگی به اتهامات آنها در روال کار قضایی قرار دارد.

مرگ دانشجوی دختر در خوابگاه دانشجویی کرمانشاه

گل محمدی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه با اشاره به مرگ یکی از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه که اهل سرپل ذهاب است، گفت: روز گذشته حدود ساعت ۱۶ گزارشی مبنی بر فوت یکی از دانشجویان دختر در محل خوابگاه دخترانه این دانشگاه اعلام شد. فرد متوفی ۲۱ساله و دانشجوی رشته پرستاری بوده است که متأسفانه در محل خوابگاه فوت می‌کند. رئیس دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه با بیان اینکه احتمال مسمومیت دارویی و سکنه قلبی وجود دارد، ادامه داد: جسد فرد متوفی به سرعت برای بررسی علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد که کالبدشکافی صورت گرفته اما هنوز گزارش رسمی از سوی پزشکی قانونی ارائه نشده است. گل محمدی بیان کرد: حضور و غیاب‌ها در خوابگاه‌ها از طریق گیت، اثر انگشت و نیز مراجعه حضوری مسئولان بلوک به اتاق‌ها صورت می‌پذیرد و دانشجوی متوفی از چند روز قبل در خوابگاه حضور داشته و هر شب اعلام حضور کرده است.

راز شکنجه‌های مرگبار در کمپ ترک اعتیاد فاش شد

کمپ وحشت آقای روانشناس!

قضات دادگاه کمک خواستند. آنها در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران بار دیگری میز محاکمه ایستادند و خواستند تا دیه را قسطی به مادر قربانی پرداخت کنند. در آن جلسه متهمان یک به یک روبرو روی قضات ایستادند و ابزار پشیمانی کردند. یکی از آنها گفت: قبول داریم اشتباه کرده‌ایم و حالا پشیمان هستیم. باور کنید مدیرکمپ ما را مجبور به این کار کرد. حالا در حال گذراندن دوران محکومیت‌مان هستیم و تا زمانی که آزاد نشویم نمی‌توانیم دیه را به مادر افسین پرداخت کنیم. تقاضا داریم قضات دادگاه با تقسیط دیه موافقت کنند. ما اگر از زندان آزاد شویم کار می‌کنیم و دیه را قسطی به مادر قربانی می‌پردازیم.

سایر متهمان نیز از قضات خواستند با درخواست آنها موافقت کنند. آنها گفتند چون قتل در ماه حرام رخ داده هر کدام باید ۱۳۰ میلیون تومان بپردازیم. در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و با توجه به اوضاع و احوال متهمان، درخواست اعسار آنها را پذیرفتند. قرار شد هر یک از متهمان ۸ درصد از مبلغ دیه را به صورت یکجا و باقی را به صورت ماهانه نیم درصد به ولی دم بپردازند.

قضات دادگاه کمک خواستند. آنها در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران بار دیگری میز محاکمه ایستادند و خواستند تا دیه را قسطی به مادر قربانی پرداخت کنند. در آن جلسه متهمان یک به یک روبرو روی قضات ایستادند و ابزار پشیمانی کردند. یکی از آنها گفت: قبول داریم اشتباه کرده‌ایم و حالا پشیمان هستیم. باور کنید مدیرکمپ ما را مجبور به این کار کرد. حالا در حال گذراندن دوران محکومیت‌مان هستیم و تا زمانی که آزاد نشویم نمی‌توانیم دیه را به مادر افسین پرداخت کنیم. تقاضا داریم قضات دادگاه با تقسیط دیه موافقت کنند. ما اگر از زندان آزاد شویم کار می‌کنیم و دیه را قسطی به مادر قربانی می‌پردازیم.

سایر متهمان نیز از قضات خواستند با درخواست آنها موافقت کنند. آنها گفتند چون قتل در ماه حرام رخ داده هر کدام باید ۱۳۰ میلیون تومان بپردازیم. در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و با توجه به اوضاع و احوال متهمان، درخواست اعسار آنها را پذیرفتند. قرار شد هر یک از متهمان ۸ درصد از مبلغ دیه را به صورت یکجا و باقی را به صورت ماهانه نیم درصد به ولی دم بپردازند.

قضات نشان داد و گفت: مدیر کمپ، معاتدان را بشدت کتک می‌زد و دست و پای آنها را می‌شکست و ما هم از ترسمان سکوت می‌کردیم. من و سایر متهمان از ترس مدیر کمپ افسین را کتک زدیم. هر کسی هم تصمیم به فرار می‌گرفت چنین سرنوشتی داشت. وی گفت: همه درهای کمپ آهن کشتی بود و من با آنکه کلیددار بودم نمی‌توانستم از درها خارج شوم. قاضی گفت: در آن کمپ حدود ۳۰ تا ۱۰۰ معتاد بستری بوده‌اند. اگر با هم متحد می‌شدید نمی‌توانستید از آنجا فرار کنید؟

مدیر کمپ قدرت تصمیم‌گیری را از ما گرفته بود و نمی‌توانستیم هیچ تصمیمی بگیریم. سپس ۳ معتاد دیگر حرف‌های وی را تأیید کردند و گفتند که در کمپ ترک اعتیاد بارها شکنجه و دست و پایشان شکسته شده بود و از ترس افسین را کتک زدند.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و با توجه به اینکه، معان اول رئیس قوه قضائیه از طرف مادر محجور قربانی که تنها ولی دم بود درخواست دیه را مطرح کرده، صاحب کمپ را به ۱۰ سال زندان، ۲ سال ممنوعیت از تصدی و اداره هرگونه مرکز نگهداری افراد معتاد و غیره و پرداخت دیه محکوم کردند. پنج متهم دیگر نیز هر یک به ۸ سال زندان و پرداخت دیه محکوم شدند.

حکم قطعی
این حکم در دیوان عالی کشور مهر تأیید خورد و قطعی شد. اما چون متهمان ردیف‌های دوم تا ششم، توان پرداخت دیه را به صورت یکجا نداشتند درخواست اعسار را مطرح کرده و از

دست و پایشان می‌شکست و جرأت اعتراض نداشتند همه تصور می‌کردند آنها دیوانه‌اند. آقای روانشناس دستور می‌داد و آنها از ترس کورگورانه انجامش می‌دادند تا اینکه قتل رخ داد و راز شکنجه‌هایشان فاش شد.

به گزارش «ایران»، رسیدگی به این پرونده از تیرماه سال ۹۹ به دنبال کشته شدن یک پسر معتاد به نام افسین آغاز شد. خانواده وی که چند روز قبل او را برای ترک اعتیاد به یک کمپ برده بودند شکایتی را علیه مدیر کمپ مطرح کردند و گفتند پسرشان در کمپ ترک اعتیاد به طرز وحشیانه‌ای شکنجه و سپس کشته شده است.

فیلم جامانده
با این شکایت مأموران پلیس پیگیر پرونده شدند و فقط توانستند فیلم یکی از دوربین‌های مداربسته را به دست بیاورند و سایر فیلم‌ها از بین رفته بود. فیلم دوربین مداربسته نشان می‌داد مدیر کمپ و ۵ مرد دیگر، افسین را به طرز وحشیانه‌ای شکنجه داده و او را کتک زده و موجب مرگ او شده‌اند.

با افشای این ماجرا مدیر کمپ و ۵ متهم دیگر در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستادند.

در ابتدای جلسه وکیل خانواده افسین به دفاع پرداخت و گفت: اولیای دم حاضر به گذشت نیستند و تقاضای قصاص را مطرح کرده‌اند. فیلم دوربین مداربسته نشان می‌دهد عاملان این جنایت چند روز افسین را شکنجه کرده و او را بشدت کتک زده‌اند. حتی پزشکی قانونی نیز پس از کالبدشکافی تأیید کرده متهمان قربانی را مجبور کرده‌اند ادرار و مدفوع خودش را بخورد در همین راستا من از طرف اولیای دم برای عاملان جنایت و وحشیانه اشد مجازات می‌خواهم.

سپس مدیر کمپ که از زندان به دادگاه منتقل شده بود در جایگاه ویژه ایستاد و اتهامش را قبول نکرد.

دروغگوئی آقای روانشناس
وی گفت: ۵ متهم دیگر این پرونده که همگی در کمپ بستری بودند با قربانی خصومت داشتند و به همین خاطر او را کتک زدند. من فقط ۲ ضربه به او زدم. وی ادامه داد: چند روز بعد از اینکه خانواده افسین او را به کمپ آوردند او می‌خواست آنها را ترک کند به همین خاطر شروع به داد و فریاد کرده و قصد فرار داشت که متهمان او را کتک زدند.

این متهم ادامه داد: من لیسانس روانشناسی دارم و چند سال قبل با برادرم این کمپ را تأسیس کردم تا به معتادان کمک کنم. من قصد بدی نداشتیم و بعد از این ماجرا نیز کمپ را جمع کرده‌ام. اجرای مرگ افسین در کمپ ترک اعتیاد ارتباطی به من ندارد و من بی دلیل بازداشت شده‌ام.

قاضی گفت: فیلم دوربین مداربسته نشان می‌دهد شما به طرز وحشیانه‌ای قربانی را کتک زده‌اید. حتی اگر او ۱۰ نفر را نیز کشته بود حق نداشتید چنین برخوردی با او کنید. من با سال‌ها تجربه کاری هرگز چنین جنایتی را ندیده‌ام که بر اثر ضربه‌هایی که با چوب و لوله به قربانی می‌زنید خون به اطراف پاشیده می‌شود. حالا چه دفاعی دارید؟

در این مرحله روانشناس شکنجه‌گر سکوت کرد و خواستار بخشش شد.

افشای جنایت‌های وحشیانه در کمپ
وقتی دومین متهم در جایگاه ویژه ایستاد جنایت‌های وحشتناکی را که در کمپ رخ داده بود فاش کرد و گفت: من معتاد بودم که به کمپ ترک اعتیاد رفتم و بعد از ستم زدایی وقتی وارد محوطه کمپ شدم فهمیدم که جنایت‌هایی در آن رخ می‌دهد. مدیر کمپ ما را با مسلوب‌الاراده می‌کرد. او ما را کتک می‌زد و آزار می‌داد و اگر از شکنجه‌ها به خانواده‌هایمان حرفی می‌زدیم به آنها می‌گفت ما دچار مشکلات روانی شده‌ایم.

این مرد ادامه داد: او با حرف‌هایش کاری می‌کرد تا خانواده‌های ما راضی به ترخیص‌مان نشوند. او به خانواده‌هایمان می‌گفت اگر ما را به خانه ببرند، چون اوضاع روانی بدی داریم خانه را به آتش می‌کشیم یا شخصی را در خیابان می‌کشیم. به همین خاطر خانواده‌هایمان حرف‌های ما را باور نمی‌کردند و راضی به ترخیص‌مان نمی‌شدند.

این متهم آثار بردگی و زخم روی دست‌هایش را به

مرگ معمای پسر ۱۶ ساله تهرانی در چهارراه مختاری

پسر ۱۶ ساله تهرانی در چهارراه مختاری به طرز مرموزی به کام مرگ فرو رفت. به گزارش «ایران»، عصر روز چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت امسال رسیدگی به پرونده مرگ معمای نوجوان ۱۶ ساله تهرانی در دستور کار محمد وهابی بازپرس کشیک قتل پایتخت قرار گرفت. در بررسی‌های ابتدایی مشخص شد که عابرن و رهگذران جسد بی‌جان نوجوان را در کنار موتور سیکلت او در چهارراه مختاری مشاهده کرده و موضوع را به پلیس گزارش داده بودند. این در حالی بود که مشاهدات اولیه نشان می‌داد این نوجوان به دلیل بریده شدن گلویش جان خود را از دست داده است. دستور بازبینی دوربین‌های مدار بسته از سوی بازپرس جنایی صادر شد و بررسی تصاویر ضبط شده در دوربین‌ها حکایت از آن داشت که این نوجوان در حال عبور با موتور سیکلت از خیابان بود که موتور سیکلت دیگری با ۳ سرنشین از سوی دیگر خیابان به او نزدیک شد و با هم برخورد کردند که پس از این برخورد نوجوان ۱۶ ساله غرق در خون روی زمین افتاد و سرنشینان موتور سیکلت دیگر از مهلکه فریختند. هنوز مشخص نیست ضربه کاری منجر به مرگ به صورت عمدی وارد شده یا در جریان تصادف ایجاد شده است. بنابراین با دستور بازپرس جنایی شناسایی و دستگیری سرنشینان موتورسیکلت در دستور کار مأموران اداره دم پلیس آگاهی تهران قرار دارد.

افشای راز شلیک به سر مرد آبادانی



علی رنجش / ۲ مرد برای سرقت پژو ۴۰۵ مرد آبادانی با شلیک به سرش دست به قتل زدند و با خودروی قربانی جنایت، در شهر دزدی کردند.

به گزارش «ایران»، صبح روز ۱۱ فروردین امسال مأموران پلیس آبادان به جریان پیدا شدن جسد یک مرد در بیان‌های منطقه حفر پشت زندان و نهرهای اطراف آبادان قرار گرفتند و تیمی از مأموران برای بررسی موضوع در محل حاضر شدند.

مأموران با حضور در محل با جسد پتوپنج شده مرد جوانی که داخل نهر آب رها شده روبرو شدند و در ادامه بازپرس ویژه قتل و تیمی از کارآگاهان و تیم تشخیص هویت در محل تحقیقات را برای کشف راز معمای این جنایت آغاز کردند.

بررسی‌های ابتدایی نشان از آن داشت که مرد جوان از ناحیه سر هدف گلوله مرگبار قرار گرفته است و چند روزی از مرگش می‌گذرد. جسد برای بررسی‌های بیشتر و شناسایی به پزشکی قانونی منتقل شد و در ادامه کارآگاهان با مراجعه به پرونده افراد گمشده به سرخ اصلی که هویت این مرد را نشان می‌داد رسیدند.

کارآگاهان در تجسس‌های پی بردند خانواده‌ای با مراجعه به پلیس از ناپدید شدن پدرشان خبر داده‌اند که مشخصات مرد گمشده با جسد پتوپنج شده نزدیک بود و در ادامه خانواده مرد جوان به مشاهده جسد مرد جوان، او را شناسایی کردند.

تیم پلیسی در گام بعدی پی بردند که مرد جوان روز جنایت سوار نیز خودرویش از خانه خارج شده و دیگر بازگشته است که در این راستا با توجه به نبودن خودرو در محل کشف جسد فرضیه قتل برای سرقت خودرو پیش روی مأموران پلیس آبادان قرار گرفت. کارآگاهان با سرخ‌های به دست آمده از دوربین‌های مداربسته و تحقیقات اطلاعاتی موفق به شناسایی ۲ متهم شدند و در عملیاتی غافلگیرانه ۲ مرد جوان در مخفیگاهشان دستگیر شدند و این در حالی بود که خودروی قربانی جنایت در خانه آنها شناسایی شد. عاملان جنایت که راهی جز اعتراف پیش روی خود نداشتند عنوان کردند که روز حادثه بعد از اینکه سوار بر خودروی مرد جوان شدیم برای سرقت خودرو او را با اسلحه تهدید کردیم اما او در برابر ما مقاومت کرد و در این درگیری با اسلحه به سرش شلیک کردیم. یکی از متهمان گفت: پس از قتل جسد را در یک پتوی مسافرتی پیچیدیم و به داخل نهر آب انداختیم و مدارکی را که همراهش بود برداشتیم تا جسد شناسایی نشود و راز این جنایت مسلحانه نیز پنهان بماند.

وی افزود: پس از سرقت پژو ۴۰۵ مرد جوان، پلاک‌های سرعتی را روی خودرویش نصب کردیم و در شهر دست به سرقت می‌زدیم و فکر نمی‌کردیم راز این جنایت فاش شود. بنا بر این گزارش، متهمان پس از تحقیقات تکمیلی و اعتراف به جنایت روانه زندان شدند.